"Analyzing Structural and Economic Barriers to Bold Urban Management in Developing Country Cities: A Case Study of Kermanshah, Iran"

Abstract:
Cities in developing countries have faced complex challenges in urban management over recent decades, including excessive centralization, financial constraints, and weak technological infrastructure. In this context, the concept of "bold urban management" has emerged as an innovative approach to improving quality of life and achieving sustainable development. However, the implementation of this approach encounters serious institutional and economic barriers.
Objective: To identify and analyze the structural and economic barriers to bold urban management in the metropolis of Kermanshah.
Method: This study employed a qualitative phenomenological approach, using semi-structured interviews with 11 urban managers and experts. Data were analyzed through thematic coding with MAXQDA software, and descriptive statistical features were examined using SPSS.
Findings: The results revealed that excessive centralization in decision-making, lack of effective delegation of authority to local levels, chronic budgetary limitations, heavy reliance on government funding, and outdated technological infrastructure are the main obstacles to bold urban management in Kermanshah. These factors restrict the operational capacity of urban institutions and weaken the autonomy of local managers.
Conclusion: The successful implementation of bold urban management in Kermanshah requires institutional reforms, strengthening of local autonomy, revision of budgetary frameworks, and targeted investment in modern technological infrastructure. Such measures can enhance urban resilience and support sustainable development.
Keywords: Bold urban management, structural and economic barriers, developing countries, Iran, Kermanshah

In Press

تحلیل موانع ساختاری اقتصادی پیش روی مدیریت جسورانه در مناطق شهری کشورهای جهان سوم نمونه موردی شهرکرمانشاه کشور ایران

چکیده:

شهرهای کشورهای در حال توسعه در دهه‌های اخیر با چالش‌های پیچیده‌ای در حوزه مدیریت شهری مواجه شده‌اند؛ از جمله تمرکزگرایی، محدودیت‌های مالی و ضعف در زیرساخت‌های فناورانه. در این میان، رویکرد «مدیریت جسورانه شهری» به‌عنوان راهکاری نوین برای ارتقای کیفیت زندگی و دستیابی به توسعه پایدار مطرح شده است. با این حال، تحقق این رویکرد در بسترهای نهادی و اقتصادی موجود با موانع جدی روبه‌روست.

هدف: شناسایی و تحلیل موانع ساختاری و اقتصادی پیش‌روی مدیریت جسورانه شهری در کلان‌شهر کرمانشاه .

روش تحقیق: این مطالعه با رویکرد پدیدارشناسی کیفی و مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با ۱۱ مدیر و کارشناس شهری انجام شد. داده‌ها با روش کدگذاری مضمون و نرم‌افزار MAXQDA تحلیل شدند و برای بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی از SPSS استفاده گردید .

یافته‌ها: نتایج نشان داد تمرکزگرایی افراطی در تصمیم‌گیری، نبود تفویض اختیار مؤثر به سطوح محلی، محدودیت‌های مزمن بودجه‌ای، وابستگی شدید به اعتبارات دولتی و کمبود زیرساخت‌های فناورانه از مهم‌ترین موانع تحقق مدیریت جسورانه شهری در کرمانشاه هستند. این عوامل ظرفیت اجرایی نهادهای شهری را محدود کرده و استقلال عمل مدیران محلی را تضعیف می‌کنند .

نتیجه‌گیری: اجرای مدیریت جسورانه شهری در کرمانشاه نیازمند اصلاحات نهادی، تقویت استقلال محلی، بازنگری در ساختار بودجه‌ای و سرمایه‌گذاری هدفمند در زیرساخت‌های فناورانه است. این اقدامات می‌تواند زمینه‌ساز ارتقای تاب‌آوری شهری و دستیابی به توسعه پایدار باشد.

واژگان کلیدی: مدیریت جسورانه شهری، موانع ساختاری و اقتصادی، کشورهای جهان سوم، ایران، کرمانشاه

In Press

مقدمه:

در دهه‌های اخیر، شهرهای کشورهای در حال توسعه با چالش‌های پیچیده‌ای در حوزه مدیریت شهری مواجه بوده‌اند؛ از جمله تمرکزگرایی در تصمیم‌گیری، محدودیت‌های مالی، ضعف در زیرساخت‌های فناورانه و ناکارآمدی نهادی (Rakodi, 2001; World Bank, 2021). این شرایط موجب شده بسیاری از شهرها نتوانند به‌طور مؤثر به نیازهای روزافزون شهروندان پاسخ دهند و کیفیت زندگی شهری ارتقا یابد. در واکنش به این مشکلات، رویکرد «مدیریت جسورانه شهری» به‌عنوان راهکاری نوین مطرح شده است؛ رویکردی که بر نوآوری، مشارکت‌پذیری و آینده‌نگری تأکید دارد و می‌تواند زمینه‌ساز توسعه پایدار و افزایش تاب‌آوری شهری باشد (UN-Habitat, 2020; UN-Habitat, 2024).

مطالعات بین‌المللی نشان داده‌اند که تمرکزگرایی و ضعف در تفویض اختیار از مهم‌ترین موانع توسعه شهری در کشورهای در حال توسعه هستند (Sharma et al., 2022). پژوهش‌های اخیر نیز بر نقش فناوری‌های نوین در بهبود حکمرانی شهری تأکید کرده‌اند (Albino et al., 2015). در این میان، مفهوم تاب‌آوری شهری به‌عنوان چارچوبی مکمل برای مدیریت جسورانه مطرح شده است و بر توانایی شهرها در پاسخ‌گویی به بحران‌ها و سازگاری با تغییرات تأکید دارد (Ahern, 2019; Meerow et al., 2016; OECD & UN-Habitat, 2024). همچنین، مطالعات جدید در حوزه مدیریت مشارکتی اهمیت درگیر کردن شهروندان در فرآیند تصمیم‌گیری را برجسته ساخته‌اند (Arnstein, 1969; Bai et al., 2020).

شهر کرمانشاه به‌عنوان یکی از کلان‌شهرهای غرب ایران، با موقعیت مرزی و نقش محوری در تعاملات اقتصادی و فرهنگی، نمونه‌ای بارز از چالش‌های مدیریت شهری در کشورهای در حال توسعه است. این شهر علاوه بر مشکلات زیرساختی و مالی، با مسائل اجتماعی و نهادی متعددی مواجه است که ضرورت توجه به رویکردهای نوین مدیریت را دوچندان می‌سازد. تنوع فرهنگی و اجتماعی کرمانشاه، در کنار ضعف در مشارکت مردمی و تمرکزگرایی شدید در تصمیم‌گیری، شرایطی فراهم کرده که بررسی مدیریت جسورانه در این شهر اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند.

با وجود این ادبیات، بررسی مشخص و عمیق موانع ساختاری و اقتصادی در مسیر تحقق مدیریت جسورانه در شهرهای ایران، به‌ویژه کرمانشاه، تاکنون کمتر انجام شده است. حتی در اسناد رسمی ایران مانند برنامه سیاست ملی شهری (NUP, 2023) نیز بر ضرورت اصلاحات نهادی و مدیریت جسورانه تأکید شده است، اما پژوهش‌های علمی هنوز به‌طور کافی این موضوع را بررسی نکرده‌اند. این خلأ پژوهشی ضرورت انجام مطالعه حاضر را نشان می‌دهد؛ پژوهشی که تلاش دارد با تمرکز بر کرمانشاه، تصویری روشن از موانع نهادی و اقتصادی پیش‌روی مدیریت جسورانه ارائه دهد و راهکارهایی عملی برای ارتقای کارآمدی و استقلال مدیریت شهری پیشنهاد کند.در بررسی چالش‌های مدیریت شهری در کرمانشاه و ضرورت گذار به رویکردی جسورانه، بهره‌گیری از مبانی نظری متنوع، زمینه‌ای مفهومی غنی برای تبیین مسئله فراهم می‌سازد. نخست، نظریه «حکمرانی شهری و فقر» که توسط Rakodi ارائه شده است، به تأثیر ضعف ساختارهای اجرایی بر گسترش نابرابری و ناکارآمدی شهری در کشورهای در حال توسعه می‌پردازد [Rakodi, 2001]. در کرمانشاه، ساختارهای سنتی و ایستا مانع تحقق مدیریت کارآمد و پاسخ‌گو بوده‌اند؛ از این‌رو، گذار به شیوه‌های نوین مدیریت، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر به‌شمار می‌رود.

در ادامه، رویکرد ارائه‌شده توسط Sotarauta و Beer با تمرکز بر رهبری شهری مکان‌محور، اهمیت مشارکت شهروندان، نوآوری و توجه به ویژگی‌های بومی را برجسته می‌سازد [Sotarauta & Beer, 2017]. کرمانشاه به‌عنوان شهری با بافت فرهنگی و جغرافیایی منحصربه‌فرد، نیازمند مدیریتی است که ظرفیت‌های محلی را فعال کند. در این بستر، مدیریت جسورانه می‌تواند به‌عنوان سازوکاری مناسب برای تقویت نقش رهبری شهری مطرح شود.

نظریه ارائه‌شده توسط UN-Habitat مفهوم «مدیریت جسورانه» را به‌عنوان راهبردی آینده‌نگر برای عبور از رکود سیاست‌گذاری و تحقق توسعه پایدار معرفی می‌کند [UN-Habitat, 2020]. در شهر کرمانشاه، بهره‌گیری از این نگاه می‌تواند موجب شکوفایی ظرفیت‌های نهفته و غلبه بر موانع توسعه‌ای گردد.

پژوهش Sharma و همکاران به نقش فناوری‌های نوین در بهبود حکمرانی شهری اشاره دارد [Sharma et al., 2022]. کاربرد ابزارهایی مانند سامانه اطلاعات جغرافیایی (Geographic Information System)؛ سامانه اطلاعات جغرافیایی ، اینترنت اشیاء و تحلیل داده‌های شهری در مدیریت منابع و تصمیم‌سازی، نمونه‌ای از جسارت اجرایی در حکمرانی مدرن است که در کرمانشاه نیز قابلیت اجرا دارد.

گزارش بانک جهانی در تحلیل ساختارهای مدیریتی کشورهای در حال توسعه، موانعی چون تمرکزگرایی، بوروکراسی و ضعف در تفویض اختیار را به‌عنوان چالش‌های اصلی معرفی می‌کند [World Bank, 2021]. این چالش‌ها در کرمانشاه نیز محسوس‌اند و معرفی و اجرای مدیریت جسورانه می‌تواند بخشی از پاسخ به این ناکارآمدی‌ها باشد.

In Press

نظریه «تاب‌آوری شهری» نیز به‌عنوان یکی از مبانی مکمل در مدیریت جسورانه مطرح است. این نظریه بر توانایی شهرها در پاسخ‌گویی به بحران‌ها، سازگاری با تغییرات و حفظ عملکرد پایدار تأکید دارد .[Meerow et al., 2016] در کرمانشاه، که با چالش‌هایی نظیر مهاجرت، بیکاری و فرسودگی زیرساخت‌ها مواجه است، تقویت تاب‌آوری از طریق سیاست‌گذاری جسورانه می‌تواند به ارتقاء کیفیت زندگی شهری منجر شود.

نظریه «نوآوری نهادی» بر اهمیت تغییر در ساختارها، فرآیندها و فرهنگ سازمانی برای تحقق تحول در حکمرانی شهری تأکید دارد .[North, 1990]در کرمانشاه، مقاومت در برابر تغییر، نبود فرهنگ سازمانی نوآور و محدودیت‌های قانونی، مانعی جدی در برابر اجرای سیاست‌های جسورانه محسوب می‌شوند.[Ghorbani, 2019]

تجربه‌های تطبیقی در شهرهایی مانند استانبول، قاهره، دهلی و سائوپائولو نشان می‌دهد که مدیریت جسورانه، زمانی موفق خواهد بود که با حمایت نهادی، استقلال مالی و مشارکت شهروندی همراه باشد[Baycan-Levent & Kundak, 2009؛ Roy, 2011؛ El-Shahat, 2018؛ Souza, 2015]. این تجربه‌ها می‌توانند الگوهایی عملی برای شهر کرمانشاه فراهم سازند.

نظریه «ظرفیت نهادی» نیز به‌عنوان چارچوبی تحلیلی برای سنجش توانایی نهادهای شهری در اجرای سیاست‌های تحول‌گرا مطرح است .[Grindle, 1997] این نظریه تأکید دارد که بدون ظرفیت اجرایی، حتی سیاست‌های جسورانه نیز به نتیجه نمی‌رسند. در کرمانشاه، ضعف در منابع انسانی، نبود آموزش‌های تخصصی، و ساختارهای ناکارآمد، ظرفیت نهادی را محدود کرده‌اند.

نظریه «شهر هوشمند» نیز به‌عنوان یکی از رویکردهای نوین در حکمرانی شهری، بر استفاده از فناوری‌های دیجیتال، داده‌محوری و مشارکت الکترونیک تأکید دارد .[Albino et al., 2015] در کرمانشاه، بهره‌گیری از زیرساخت‌های هوشمند می‌تواند به ارتقاء شفافیت، افزایش بهره‌وری و تسهیل تعامل شهروندان با نهادهای شهری منجر شود.

نظریه «مدیریت مشارکتی» نیز بر اهمیت درگیر کردن ذی‌نفعان مختلف در فرآیند تصمیم‌گیری شهری تأکید دارد [Arnstein, 1969].در کرمانشاه، که با چالش‌هایی در اعتماد عمومی و مشارکت اجتماعی مواجه است، تقویت سازوکارهای مشارکتی می‌تواند به افزایش مشروعیت و اثربخشی سیاست‌های جسورانه کمک کند.

در نهایت، نظریه «حکمرانی شبکه‌ای» به‌عنوان چارچوبی برای درک تعامل میان نهادهای دولتی، خصوصی و مدنی در مدیریت شهری مطرح است .[Rhodes, 1996] در کرمانشاه، نبود هماهنگی میان این بازیگران، یکی از موانع اصلی در تحقق مدیریت جسورانه است که نیازمند بازنگری در روابط بین‌سازمانی، ایجاد پلتفرم‌های همکاری و تفویض اختیار مؤثر می‌باشد

روش‌شناسی تحقیق

این پژوهش با هدف بررسی موانع تحقق مدیریت شهری جسورانه در شهر کرمانشاه، از رویکرد پدیدارشناسی تفسیری بهره گرفته است؛ رویکردی که به کشف و فهم عمیق تجارب زیسته‌ی مدیران و متخصصان شهری در زمینه حکمرانی می‌پردازد. چنین نگرشی امکان شناخت لایه‌های پنهان، معانی ضمنی و برداشت‌های فردی از تجربه‌ی مدیریت شهری را فراهم می‌سازد و برای تحلیل مسائل پیچیده نهادی و ساختاری در بسترهای محلی بسیار مناسب است [Smith et al., 2009].

این مطالعه در بازه زمانی فروردین تا مهر ۱۴۰۴ انجام شد. در این دوره، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با مدیران و کارشناسان شهری کرمانشاه صورت گرفت و داده‌ها پس از گردآوری در همان سال تحلیل شدند.

روش گردآوری داده‌ها

داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته‌ی عمیق با ۱۱ نفر از مدیران، برنامه‌ریزان شهری و کارشناسان حوزه مدیریت شهری گردآوری شد. مصاحبه‌ها به‌صورت حضوری و در محیط‌های کاری یا دانشگاهی انجام گرفت و هر جلسه بین ۴۵ تا ۷۵ دقیقه طول کشید. تمامی مصاحبه‌ها با رضایت کتبی شرکت‌کنندگان ضبط و سپس به‌طور کامل پیاده‌سازی شدند. پرسش‌های مصاحبه حول محورهایی چون موانع ساختاری، ظرفیت‌های نهادی، تجربه‌های اجرایی و دیدگاه نسبت به مدیریت جسورانه طراحی گردید.

شیوه نمونه‌گیری

در این پژوهش از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد؛ به‌گونه‌ای که مشارکت‌کنندگان بر اساس تخصص، تجربه اجرایی و شناخت عمیق از ساختار مدیریت شهری کرمانشاه انتخاب شدند. معیارهای انتخاب شامل سابقه مدیریتی در نهادهای شهری، تجربه مواجهه با ساختارهای نهادی، مشارکت در پروژه‌های توسعه شهری و آشنایی با مفاهیم نوآورانه در حکمرانی شهری بود. همچنین تنوع در جایگاه سازمانی و دیدگاه‌های نظری در انتخاب نمونه‌ها لحاظ شد تا غنای داده‌ها افزایش یابد.

ابزار تحلیل داده‌ها

In Press

برای تجزیه‌وتحلیل داده‌ها از نرم‌افزار MAXQDA 2022 جهت تحلیل کیفی و استخراج مضمون‌ها استفاده شد. داده‌های مصاحبه‌ها در سه مرحله شامل کدگذاری باز، محوری و انتخابی پردازش گردید تا مفاهیم بنیادین مرتبط با موانع مدیریت جسورانه شناسایی شوند. در مرحله کدگذاری باز بیش از ۱۲۰ کد اولیه استخراج شد که در مراحل بعدی به ۱۸ مضمون اصلی و ۵ دسته مفهومی نهایی سازمان‌دهی شدند. همچنین برای تحلیل آماری و بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان از نرم‌افزار SPSS بهره گرفته شد.

اعتبار داده‌ها و یافته‌ها

به‌منظور ارتقای اعتبار درونی و بیرونی یافته‌ها، از دو روش مکمل استفاده شد:

۱. بازبینی هم‌زمان توسط مشارکت‌کنندگان: افراد مصاحبه‌شونده نسخه‌ای از مضامین استخراج‌شده را دریافت کرده و نظرات اصلاحی یا تأییدی خود را ارائه دادند. این بازخوردها در تحلیل نهایی لحاظ شد.

۲. ارزیابی توسط متخصصان بیرونی: دو نفر از اساتید حوزه برنامه‌ریزی شهری و روش‌شناسی کیفی ساختار تحلیل را بررسی کرده و اعتبار منطقی و انسجام مفهومی آن را تأیید نمودند. این اقدامات باعث افزایش پایایی و قابلیت اتکای یافته‌های پژوهش شد.

در مجموع، روش‌شناسی این پژوهش با بهره‌گیری از ابزارهای دقیق، نمونه‌گیری هدفمند و تحلیل عمیق مضمون‌ها، تصویری روشن و مستند از موانع تحقق مدیریت جسورانه در بستر شهری کرمانشاه ارائه می‌دهد.

محدوده جغرافیایی محدوده مورد مطالعه:

شهر کرمانشاه، به‌عنوان یکی از کلان‌شهرهای مهم ایران، در ناحیه‌ی غربی کشور و در مجاورت مرز عراق واقع شده است. این شهر با مساحتی حدود ۹۳ کیلومتر مربع و جمعیتی نزدیک به یک میلیون نفر، از جایگاه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ویژه‌ای در منطقه ی غرب کشور برخوردار بوده و نقش محوری در تعاملات منطقه‌ای ایفا می‌کند. کرمانشاه در فاصله حدود ۱۲۰ کیلومتری مرز خسروی قرار دارد که نزدیک‌ترین گذرگاه رسمی به عراق است و همین موقعیت جغرافیایی، اهمیت استراتژیک آن را در تبادلات اقتصادی، فرهنگی و امنیتی دوچندان کرده است.

از نظر کالبدی، کرمانشاه دارای تنوع فضایی قابل‌توجهی است؛ از بافت‌های تاریخی و مرکزی گرفته تا مناطق جدید در حال توسعه، نواحی حاشیه‌نشین و مناطق کمتر برخوردار. این تنوع فضایی، نیاز به مدیریت شهری نوآورانه و جسورانه را برجسته می‌سازد. همچنین، وجود راه‌های اصلی و بزرگراه‌هایی مانند بزرگراه کرمانشاه—اسلام‌آباد، بلوار شهید بهشتی و مسیر مرزی به قصر شیرین و خسروی، جایگاه ارتباطی ویژه‌ای برای این شهر فراهم کرده است.

از منظر برنامه‌ریزی شهری، تنوع اجتماعی، فرهنگی و اقلیمی کرمانشاه، در کنار چالش‌هایی نظیر تمرکزگرایی، پیچیدگی بوروکراتیک، ضعف در مشارکت مردمی و مقاومت نهادی، این شهر را به نمونه‌ای مناسب برای تحلیل قابلیت‌ها و محدودیت‌های مدیریت جسورانه در بسترهای شهری کشورهای در حال توسعه بدل کرده است. در این پژوهش، کرمانشاه نه‌تنها به‌عنوان یک نمونه‌ی مطالعاتی منطقه‌ای، بلکه به‌عنوان الگویی برای تحلیل تطبیقی حکمرانی شهری در شهرهای متوسط انتخاب شده است؛ انتخابی که بر پایه‌ی ظرفیت‌های بالقوه و چالش‌های بالفعل این شهر صورت گرفته و می‌تواند زمینه‌ساز ارائه‌ی راهکارهایی در سطح ملی و منطقه‌ای باشد.

یافته های پژوهش:

یافته‌های این پژوهش بر اساس تحلیل داده‌های گردآوری‌شده از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۱ نفر از مدیران، برنامه‌ریزان و کارشناسان حوزه مدیریت شهری کرمانشاه، و همچنین پرسش‌نامه‌های تکمیلی، در دو مرحله کیفی و کمی ارائه شدند.

۱ .تحلیل کیفی مضمون‌محور

داده‌های مصاحبه‌ها با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA 2022 و روش تحلیل مضمون بررسی شدند. فرآیند کدگذاری در سه مرحله «باز»، «محوری» و «انتخابی» انجام شد. در نهایت، پنج مضمون اصلی به‌عنوان موانع تحقق مدیریت جسورانه شهری در کرمانشاه شناسایی شدند:

-موانع نهادی و ساختاری: ساختار متمرکز در مدیریت شهری، نبود اختیارات کافی در سطح محلی، عدم هماهنگی بین نهادهای تصمیم‌گیر و اجرایی، و سیاست‌های بالا به پایین که نوآوری را محدود کردند .

-مقاومت فرهنگی سازمانی: محافظه‌کاری در تصمیم‌گیری، ترس از شکست و پیامدهای حقوقی، مقاومت در برابر اصلاحات ساختاری، و ترجیح اقدامات روتین بر نوآوری .

In Press

-نارسایی‌های فناورانه و اطلاعاتی: نبود زیرساخت‌های دیجیتال برای پایش داده‌های شهری، کمبود داشبوردهای هوشمند و ابزار تحلیل داده، و شکاف میان داده و برنامه‌ریزی اجرایی .

-ضعف در یادگیری سازمانی و مشارکت تیمی: فرصت‌های آموزشی محدود برای مدیران، نبود روحیه مشارکتی در سازمان‌های شهری، و بی‌اعتمادی به تخصص نیروهای صفر

-مدیریت ریسک محافظه‌کارانه: پرهیز از ریسک در تصمیم‌گیری، نبود چارچوب‌های شفاف برای ارزیابی پیامدهای تصمیمات جسورانه، و عدم یادگیری از تجربیات گذشته .

فراوانی مضمون‌ها در مصاحبه‌ها به شرح زیر ثبت شد :

موانع نهادی و قانونی ۲۳ بار، مقاومت فرهنگی سازمانی ۱۹ بار، ضعف زیرساخت‌های فناورانه ۱۶ بار، کمبود آموزش و اعتماد تیمی ۱۲ بار، و مدیریت ریسک محدود ۹ بار تکرار شدند.

۲ .تحلیل کمی پرسش‌نامه‌ای

داده‌های پرسش‌نامه‌ای با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند. شاخص‌های آماری زیر استخراج گردید :

-میانگین سابقه مدیریتی ۹/۶۴ سال بود .

-بیشترین تعداد نیرو تحت مدیریت به ۱۰۰ نفر رسید .

-میانگین دفعات ارجاع به مراجع قانونی ۲/۸۲ بار ثبت شد .

-ضریب همبستگی بین سابقه مدیریتی و جسارت تصمیم‌گیری برابر با —۰/۱۳۸ بود .(p=0.685)

نتایج کمی نشان داد که ارتباط معناداری بین سابقه مدیریتی و میزان جسارت در تصمیم‌گیری وجود نداشت. این یافته‌ها تأیید کردند که عوامل نهادی و ساختاری بیش از تجربه فردی بر تحقق مدیریت جسورانه شهری در کرمانشاه تأثیر گذاشتند.

یافته‌های این پژوهش بر اساس تحلیل داده‌های گردآوری‌شده از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۱ نفر از مدیران، برنامه‌ریزان و کارشناسان حوزه مدیریت شهری کرمانشاه، و همچنین پرسش‌نامه‌های تکمیلی، در دو مرحله کیفی و کمی ارائه می‌شوند.

بحث

یافته‌های این پژوهش نشان داد که تمرکزگرایی افراطی در تصمیم‌گیری، نبود تفویض اختیار مؤثر به سطوح محلی، محدودیت‌های مزمن بودجه‌ای، وابستگی شدید به اعتبارات دولتی و ضعف زیرساخت‌های فناورانه از مهم‌ترین موانع تحقق مدیریت جسورانه شهری در کرمانشاه هستند. این نتایج با مطالعات بین‌المللی همخوانی دارد؛ به‌ویژه پژوهش Rakodi (2001) و گزارش بانک جهانی (World Bank, 2021) که تمرکزگرایی و بوروکراسی را از موانع اصلی توسعه شهری در کشورهای در حال توسعه معرفی کرده‌اند. در کرمانشاه نیز همان الگو مشاهده شد، با این تفاوت که شدت وابستگی مالی به دولت بیش از نمونه‌های مشابه در کشورهای دیگر است و همین امر استقلال عمل مدیران محلی را به‌شدت محدود کرده است. یافته‌های این پژوهش با نتایج Roy (2011)نیز همخوانی دارد که بر نقش ساختارهای نهادی در موفقیت مدیریت شهری تأکید کرده است. همچنین، مطالعه Baycan-Levent & Kundak (2009)نشان می‌دهد که استقلال مالی و حمایت نهادی از عوامل کلیدی در تحقق مدیریت جسورانه هستند؛ عواملی که در کرمانشاه به‌شدت ضعیف‌اند. مطالعات داخلی نیز نشان داده‌اند که تمرکززدایی شرط لازم برای حکمرانی خوب در ایران است .(Ghasemi, 2024) مطالعه‌ای در قم نیز نشان داد که وابستگی مالی شهرداری‌ها یکی از عوامل گسترش ناکارآمدی و توسعه نامتوازن شهری است.(Hajilou et al., 2024)

از منظر فناوری، یافته‌های تحقیق حاضر نشان داد کمبود زیرساخت‌های دیجیتال و ضعف در بهره‌گیری از ابزارهای نوین مدیریتی، ظرفیت اجرایی مدیریت شهری را محدود کرده است. این نتیجه با مطالعات Albino et al. (2015) و Sharma et al. (2022) همسو است که بر نقش فناوری‌های نوین در ارتقای حکمرانی شهری تأکید دارند. در حالی‌که در بسیاری از شهرهای در حال توسعه حرکت به سمت شهر هوشمند آغاز شده، کرمانشاه همچنان با محدودیت‌های جدی در این زمینه مواجه است. گزارش جدید UN-Habitat (2024)نیز بر ضرورت سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های دیجیتال برای افزایش شفافیت و کارآمدی مدیریت شهری تأکید دارد. پژوهش‌های جدید در ایران نیز نشان داده‌اند که ابزارهایی مانند Digital Twin می‌توانند ظرفیت مدیریت شهری را افزایش دهند و به بهبود شفافیت و کارآمدی کمک کنند.(Zali et al., 2024)

در حوزه مشارکت اجتماعی، نتایج نشان داد که ضعف در اعتماد عمومی و نبود سازوکارهای مؤثر برای مشارکت شهروندان، یکی از موانع کلیدی مدیریت جسورانه است. این یافته با مدل مشارکت Arnstein (1969) و مطالعات Bai et al. (2020) قابل مقایسه

In Press

است. در حالی‌که این مطالعات بر اهمیت درگیر کردن شهروندان در فرآیند تصمیم‌گیری تأکید دارند، در کرمانشاه مشارکت اجتماعی هنوز در سطحی محدود باقی مانده است. پژوهش‌های جدید نیز نشان داده‌اند که حکمرانی مشارکتی در شهرهای هوشمند می تواند پیوند میان شهروندان و نهادهای شهری را تقویت کند .(Frontiers in Sustainable Cities, 2024) تجربه‌های تطبیقی در استانبول و سائوپائولو نشان می‌دهد که ایجاد سازوکارهای مشارکتی و استفاده از فناوری‌های دیجیتال برای ارتباط با شهروندان توانسته اعتماد عمومی را افزایش دهد. در مقابل، کرمانشاه فاقد چنین سازوکارهایی است و همین امر موجب شده سیاست‌های شهری با مقاومت اجتماعی مواجه شوند.

از منظر تاب‌آوری شهری، نتایج تحقیق حاضر نشان داد که کرمانشاه در برابر بحران‌های اقتصادی و اجتماعی آسیب‌پذیر است و ظرفیت نهادی لازم برای پاسخ‌گویی به این بحران‌ها وجود ندارد. این یافته با چارچوب نظری Meerow et al. (2016) و Ahern (2019)همخوانی دارد که تاب‌آوری شهری را به‌عنوان یکی از پیش‌شرط‌های توسعه پایدار معرفی کرده‌اند. گزارش OECD و UN-Habitat (2024)نیز تأکید می‌کند که سیاست‌های ملی شهری باید به‌طور جدی بر تقویت تاب‌آوری و استقلال محلی تمرکز کنند. تجربه ارومیه نیز نشان می‌دهد که سناریوپردازی و آینده‌نگری می‌تواند ظرفیت تاب‌آوری شهری را افزایش دهد و زمینه‌ساز حکمرانی جسورانه‌تر شود.(Hosseinpour et al., 2025)

به‌طور کلی، مقایسه یافته‌های این پژوهش با ادبیات موجود نشان می‌دهد که موانع ساختاری و اقتصادی مدیریت جسورانه در کرمانشاه مشابه بسیاری از شهرهای کشورهای در حال توسعه است، اما شدت تمرکزگرایی، وابستگی مالی و ضعف نهادی در این شهر برجسته‌تر است. در شهرهایی مانند استانبول و قاهره، اصلاحات نهادی و مالی توانسته‌اند بخشی از این مشکلات را کاهش دهند، در حالی‌که در کرمانشاه چنین اصلاحاتی هنوز به‌طور جدی آغاز نشده است. این تفاوت‌ها نشان می‌دهد که برای تحقق مدیریت جسورانه در کرمانشاه، اصلاحات نهادی و مالی باید در اولویت قرار گیرد و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فناورانه و اجتماعی به‌طور جدی دنبال شود. همچنین، تقویت مشارکت شهروندان و افزایش استقلال محلی می‌تواند زمینه‌ساز اجرای سیاست‌های جسورانه و ارتقای کیفیت زندگی شهری باشد.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که تحقق مدیریت جسورانه شهری در کرمانشاه نیازمند مجموعه‌ای از اصلاحات نهادی، فرهنگی و آموزشی است. این رویکرد می‌تواند به ارتقای کیفیت زندگی، افزایش تاب‌آوری شهری و گذار از مدیریت محافظه‌کارانه به مدیریت تحول‌گرا منجر شود، مشروط بر آنکه ساختارهای بوروکراتیک بازنگری شوند، استقلال محلی تقویت گردد و منابع پایدار برای نوآوری شهری فراهم شود .این نتایج همسو با چارچوب تاب‌آوری شهری ارائه‌شده توسط Resilient Cities Network (2024) است و می تواند مبنای سیاست‌گذاری در سایر شهرهای مشابه قرار گیرد. همچنین، یافته‌ها با مطالعات جهانی در زمینه نوآوری در حکمرانی محلی (Borins, 2001) هم‌راستا هستند و نشان می‌دهند که گذار به مدیریت جسورانه نیازمند اصلاحات نهادی و فرهنگی است. نتایج این مطالعه علاوه بر ارائه تصویری روشن از موانع موجود، بر ضرورت تغییر در نگرش مدیریتی تأکید دارد. مدیریت جسورانه مستلزم رهبرانی است که توانایی پذیرش ریسک، نوآوری و مشارکت شهروندی را داشته باشند. بنابراین، یافته‌های این پژوهش می‌تواند مبنای سیاست‌گذاری شهری در کرمانشاه و سایر شهرهای مشابه قرار گیرد و راهنمایی برای طراحی نقشه راه تحول در مدیریت شهری باشد .

با وجود محدودیت‌هایی مانند حجم نمونه محدود و تمرکز بر یک شهر، این پژوهش ارزش آن را دارد که در مطالعات تطبیقی و آینده‌پژوهی مدیریت شهری در ایران و کشورهای در حال توسعه مورد استفاده قرار گیرد.

پیشنهادهای سیاستی:

بر اساس یافته‌های پژوهش، گذار به مدیریت جسورانه شهری در کرمانشاه نیازمند مجموعه‌ای از اقدامات سیاستی در پنج محور کلیدی است:

۱ .ایجاد فرهنگ سازمانی جسورانه: حمایت از نوآوری، پذیرش شکست‌های برنامه‌ریزی‌شده، و راه‌اندازی سازوکارهای گفت‌وگوی آزاد میان مدیران و کارکنان.

۲ .توانمندسازی مدیران شهری: آموزش مهارت‌های رهبری تحول‌گرا، مدیریت ریسک، و تبادل تجربه با شهرهای موفق داخلی و خارجی.

۳ .اصلاح ساختارهای تصمیم‌گیری: بازمهندسی فرآیندهای اداری برای افزایش چابکی، شفافیت در تخصیص منابع، و تفویض اختیار به مدیران میانی.

In Press